

## ساختار شکنی و هنجارگریزی تطبیقی نحوی، واژگانی و زمانی در شعر پروین اعتصامی

بهمن گرجیان\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۴

فرنگیس عباس زاده\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۴

### چکیده

زبان یک واقعیت فرهنگی و محصول اندیشه انسانی است که با خلاقیت و نوع آوری همراه است. خلاقیت و آفرینندگی زبان انسان باعث ترکیب اصوات و ترکیب معانی در قالب ساخت‌های زبانی پیچیده در آفرینش‌های ادبی می‌شود و بالفعل شدن آن در فرایند اجتماعی شدن و فرهنگ سازی، خلاقیت ادبی را به همراه خواهد داشت. شاعر با استفاده از ساخت‌های زبانی، گذشته، حال، آینده را تصور کند و در هر زمان و مکان از واقعیت به سوی خیال حرکت نماید. در پژوهش حاضر به بررسی هنجارگریزی نحوی، واژگانی و زمانی در قطعات، مثنویات و منظومات پروین/اعتصامی می‌پردازیم که شعرش نمادی از سبک عراقی و خراسانی می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که وی از هنجارهای نحوی زبان متعارف و معیار بسیار دور شده است. ترتیب کلمات، تغییرات گرامری، باهم آیی با توجه به اصول و ساختار و سبک زبانی می‌باشد. **کلیدواژگان:** انحراف دستوری، سبک ادبی- تعلیمی، کهن گرایی، انعطاف پذیری زبانی.

\* دانشیار و عضو هیأت علمی گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

b.gorjian@iauabadan.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

farangisabbaszadeh@gmail.com

نویسنده مسئول: بهمن گرجیان

## مقدمه

زبان تنها محدود به گستره فکر آدمی نمی‌شود بلکه با کل قلمرو او ارتباط دارد. طبیعت روشنفکرانه زبان انسانی به گونه‌ای است که امکان بوجود آوردن گونه‌های نامحدودی را به وجود می‌آورد که نیاز به امکانات نمادسازی کاملی دارد. انسان با استفاده از فرایندهای شناختی و ذهنی می‌تواند نه تنها دنیا را از دید خود، بلکه آنگونه که دیگران آن را می‌بینند، تصویر کند. ظهور عناصر کلامی و ارتباطی در یک متن، بازگوکننده تجربیات شاعر و نویسنده شخصیت‌های ادبی و داستانی است. زبان‌ها به انواع متفاوتی تقسیم می‌شود مثل زبان علمی، فلسفی، ادبی، تاریخی، حقوقی، نمادین و سمبلیک. زبان صرفاً واژگان نیست بلکه روابط تصویری بین آن‌ها نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. متون ادبی از نظر کاربردی با گونه شناختی در زبان و فرهنگ مقصد مطابقت دارند و بنابراین انتظارات مخاطبین متن مبدأ را در موقعیت ارتباطی خاص برآورده می‌سازد. آفرینش یا بازآفرینی هر پدیده‌ای مستلزم پیش آگاهی و دانش نسبت به آن موضوع خاص است.

تولان (Toolan) (۱۳۸۶: ۹۵) دستور زبان هلییدی را یکی از مفیدترین و کارآمدترین دستورهای معاصر و معنا-محور می‌داند که می‌توان آن را در تخیل متون ادبی به کار بست. زبان‌شناسی نقش‌گرا عمدتاً در اروپا شکل گرفت، به مرور زمان رشد کرد و خود را به نظریه‌های گوناگون مجهز کرد. آندره مارتینه (Martinet)، فرث (Firth) و هلییدی از جمله پیشگامان زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌باشند (حق شناس، ۱۳۷۰: ۷۶). دستور نقش‌گرای نظام‌مند، اساساً ساخته و پرداخته هلییدی، زبان‌شناس انگلیسی است. راجر فاولر (۱۳۸۱) (Fowler) از زبان‌شناسی نقش‌گرا به عنوان مناسب‌ترین الگوی زبان‌شناسی در مطالعه ادبیات، نام می‌برد. در دستور نقش‌گرای هلییدی (۱۹۸۵: ۳۱۳-۳۱۸). فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانش اندیشگانی در زبان بازنمایی می‌شود. بر این اساس می‌توان با بررسی انواع فرایندهای موجود در افعال و تعیین بسامد وقوع آن‌ها در داستان، از تجارب، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد. امکان و قابلیت دستوری برای بازنمایی تجربه در زبان، از طریق نظام گذرایی انجام می‌پذیرد (پارمحمدی، ۱۳۸۵). نظام گذرایی، مکانیسم بیان فرانش اندیشگانی و تجربی

در زبان است. گفتمان، نظام معنایی است که امکان فهم و صحبت کردن درباره جهان و یا پدیده‌های آن اعم از اشیاء و موضوعات و عاملان را امکان‌پذیر و در واقع آن را ممکن می‌سازد و متشکل از عناصر زبانی و فرا زبانی است. آنچه در گفتمان اهمیت بسیاری دارد، موقعیت یک متن گفته یا نوشته شده است. متن هنگامی معنا پیدا می‌کند که در همان موقعیت زبانی بررسی گردد. در غیر این صورت جوهر و مفهومی ندارد (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۹۷ به نقل از لاکوست، ۱۹۸۸).

کنش متقابل اجتماعی یک سلسله رفتارهای اجتماعی است که بر اساس یک عمل دو جانبه به وجود می‌آید. کنش متقابل فرایندی اساسی است که از طریق آن دو یا چند نفر یکدیگر را از طریق گفتاری، رفتاری یا عاطفی تحت تأثیر قرار می‌دهند (ستوده: ۹۹). تعبیر و معنای عبارت زبانی در خود آن نهفته است که این خود نشأت گرفته از مسائل ذهنی سخنوران زبان و ارتباط اجتماعی آن‌ها با یکدیگر و همچنین بافت متن مورد نظر است. برای برقراری ارتباط صحیح و تأثیرگذار، شاعر یا نویسنده عناصر زبانی را به گونه‌ای کنار یکدیگر قرار می‌دهد که باعث القای معنای بخصوصی گردد، به عبارتی قرار گرفتن و آرایش عناصر تشکیل دهنده متن برای نویسنده حائز اهمیت بسیاری خواهد بود. اعتقاد بر این است که اساس همنشینی این عناصر بر پایه مسائل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی زبانی استوار است و بر رابطه بین نویسنده و خواننده یا گوینده و شنونده دلالت می‌کند.

شکلوفسکی معتقد است که هنر، ادراک حسی ما را دوباره سازمان می‌دهد و در این مسیر، قاعده‌های آشنا و ساختارهای ماندگار واقعیت را دگرگون می‌کنند. هنر باعث تغییر عادات ماست و هر چیز آشنا را ناآشنا می‌کند چون وظیفه اصلی آن تغییر شکل دادن به واقعیت است (رک: احمدی، ۱۳۸۵: ۴۷). بارانی (۱۳۸۲) شعر را نتیجه هنجارگریزی، و «نتیجه قاعده‌افزایی را وزن و توازن» می‌داند. توازن هر گونه وزن و آهنگ را شامل می‌شود که در سطوح آوایی، واژگانی و نحوی قابل تجزیه و تحلیل باشد. این توازن محصول تکرار کلامی است و از وزن و قافیه تا تکرار واج‌ها، واژه‌ها و جملات را در چارچوب خود دارد (ص ۶۳). از نظر روحانی و عنایتی (۱۳۸۸) آشنایی زدایی عبارت است از تمامی شگردها و فنونی که نویسنده یا شاعر از آن‌ها بهره می‌برد تا جهان متن را

به چشم مخاطبان خود بیگانه نماید. هدف او روشن کردن سریع معنا و مفهوم نیست، بلکه می‌خواهد در قالب زیبایی آفرینی، مفاهیمی جدید خلق کند تا موجب ایجاد حس تازه و شگفتی مخاطب شود.

شفیعی کدکنی (۱۳۸۴) معتقد است وقتی «واژه‌ای را از خانواده خود جدا و با خانواده دیگر ترکیب کردیم، نباید از اصل رسانگی و ارتباطی خود خارج گردد؛ یعنی تا حدی بتواند احساس گوینده را دریابد و خواننده علاوه بر احساس لذت جمال شناسیک باید از لحاظ رسانگی هم با اشکال روبه‌رو شود» (صص ۱۳-۱۴). شاعر با هر واژه‌ای که خلق می‌کند، فکری می‌آفریند و این توسعه اندیشگی زبان در چارچوب واژگان است (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

یکی از انواع هنجارگریزی، هنجارگریزی در نحو یا ساختار دستوری است. در هر زبانی از لحاظ صرفی و نحوی قواعد خاصی حاکم است که عدول از آن، با رعایت اصول جمال شناسیک و رسانگی، باعث برجسته سازی می‌شود. هر شاعر ناگزیر است برای آفرینش شعر، برخی قواعد دستوری را تغییر دهد یا از آن‌ها عدول نماید، اینجاست که هنجارگریزی دستوری رخ می‌دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۲).

گاهی شاعر برای تحقق الزام موجود در متن، در تنگنای نوشتار و در مخمصه زبانی قرار می‌گیرد، با داخل کردن عامیانه و روزمره گفتار در اثر خود و با استفاده از تسهیلات بیانی به خوبی می‌تواند به قاعده بازی وفادار بماند و در خلق اثر خویش توفیق حاصل نماید.

از طریق تصویرسازی ذهنی، مفاهیم انتزاعی، عینی شده تا وضوح آن‌ها در ذهن مخاطب بیش‌تر شده و در نتیجه تعامل مخاطب با متن بهتر ایجاد شود. استعاره ما را قادر می‌سازد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا بدون ساخت را با توجه به پدیده‌ای عینی یا ملموس قاعده‌مندتر کنیم (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۳۲). استعاره مفهومی از روابط حوزه‌های مفهومی سخن می‌گوید نه عبارات زبان. عبارت زبان سرنخ‌هایی برای کشف استعارات مفهومی هستند. استعاره، مربوط به مفاهیم است نه زبان. اساس استعاره بر پایه روابط مفهومی دو حوزه زبان مبدأ و مقصد است و نقش کلمات و عبارات برانگیختن ذهن ما به برقراری ارتباط مؤثر است (لیکاف، ۱۹۹۳: ۱۸۶). از نظر سیدی (۱۳۸۷: ۱۰۸)، از اجزای

تشکیل دهنده تصویر ذهنی می‌توان به عناصر اندیشه دینی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه واقعیت، خیال، عاطفه، زبان، ریتم و آهنگ اشاره کرد. در شخصیت پردازی یا انسان پنداری، نگاه شاعر به عناصر موجود در متن به گونه‌ای است که همه اجزای متن، هویت جدید و خیال انگیزی به خود گرفته‌اند و دارای احساس انسانی می‌شوند.

نمایش خلاقیت و نوآوری و ایجاد زبان هنری خاص، بیش از هر چیزی با آفرینش ترکیبات نو انجام پذیر است. هم شاعران کلاسیک و هم نوپردازان معاصر، خودآگاه یا ناخودآگاه از این تکنیک به صورت عنصری در خدمت شعر بهره برده‌اند. محتوای شعر و تصاویر شعری بیانگر افکار و اندیشه‌های شاعر است. مطابق نظر صورت‌گرایان، معنا و معناندیشی تنها دغدغه شاعر در سرودن شعر نیست بلکه یکی از بخش‌هایی است که در کل شعر بررسی می‌شود (مدرسی و احمدوند، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

پروین اعتصامی بزرگ‌ترین شاعره ایران در بحرانی‌ترین دوران اجتماعی عصر حاضر بوده که با روی آوردن به فرهنگ و آداب ایرانی، از طریق شعر به تبلیغ انسانیت و معرفی خصوصیات نیک بشری پرداخته است. یکی از سیماهای درخشان ادب معاصر، آرام و متین و به دور از تظاهر زمانه بوده است. قطعات، تمثیلات و به ویژه مناظرات، خاصه خود اوست. زبان وی راحت و به دور از ابهام و ایهام است. اساس دیوان وی عشق واقعی به حقایق و معنویات بوده است. عشقی که آفرینش انسان بر پایه آن استوار است. دیوان پروین در سال ۱۳۱۴ شمسی به چاپ رسید و تا سال ۱۳۲۰ سه بار و در هزاران نسخه به چاپ رسید. قطعات وی با زندگی و فرهنگ مردم درآمیخته است و درد و شادی و دشواری‌های روانی و جسمانی آن‌ها را به تصویر کشیده است. مضامین قصاید وی جنبه اخلاق و اندرزگونه دارند. توجه وی بیش‌تر به بی‌عدالتی حاکم، ضرورت عدل، پرخاش به ستمگر و وصف طبقات و قشرهای مورد ستم بوده است. وی به واسطه طنز حقایق جدی را القا می‌کند که از تلخی زندگی توده‌ها چاشنی می‌گیرد. بعد از ازدواج بدفرجامش، با عزمی راسخ و برای مبارزه با تباهی هولناک اجتماعی شمشیر قلم برکشید. سرخوردگی او از ازدواج کوتاه مدتش، وی را به پرهیز و انکار ازدواج سوق داده است. استواری و روانی کلام وی باعث شده که شعر وی را شعری مردانه بخوانند. گردنکشان و دغل‌بازان پوشیده به لباس تقوی را به طعن و لعن و تمسخر می‌گیرد. پالایش روح و پاکی جان را

ارمغان انسانی می‌داند که مقام والایی را برای او به همراه دارد. دیده اهریمن عقل را خوار می‌کند و از انسان‌ها می‌خواهد فریفته رنگ و نیرنگ جهان دنیوی نباشند. پروین سرشار از ایمان به خدا و اخلاق اسلامی بود و با اشعار خود که جنبه فطرت پاک انسانی، پرهیزگاری و عفاف داشتند، انسان‌ها را به پایداری و مبارزه با هوای نفس دعوت می‌کند که دچار گرداب عجب و خودبینی و غفلت نشوند. وی با تحقیر مادیت به تبلیغ معنویت می‌پرداخت. مردم را به علم و هنرورزی دعوت می‌کرد تا به جای فریبکاری و خودآرایی ظاهری راه عافیت و رستگاری بجویند. از دید پروین نماد همه زشتی‌ها، پلیدی‌ها و گرایش‌ات انحرافی عشق به پول و ثروت است.

طباطبایی/اردکانی (۱۳۷۶) درونمایه‌های زنانه در شعر پروین را به سه دسته نقشی کرده است:

الف: دسته اول که پروین در آن‌ها همچون مادری دلسوزی سخن می‌گوید مانند کمان قضا و دوران‌دیش شعر که مهر مادری را بیان کرده است.

ب: دسته دوم اشعاری که پروین در آن‌ها رفتار شایسته یک زن را در قبال همسرش گوشزد می‌کند، مانند فرشته انس

ج: دسته سوم اشعاری که پروین خواهان عدالت و تساوی میان حقوق زنان و مردان است و یا به عبارتی خواستار استقلال شخصیت برای زنان می‌باشد مثلاً زن در ایران (ص ۱۳۹).

زن در شعر پروین، فرشته‌ای با روحی مصفا است و انسانی مقدس، مستحق به خلق نیکی‌ها و پروردان فرزندان رشید و برومندی است که بتواند جامعه بشری را به سوی هدفی والا و شایسته پیش ببرد و محیطی فراهم آورد تا دانش و تقوی و ظرفیت‌های بالقوه در آن شکوفا شوند. رهایی زن از نر او رهایی از جهل و نادانی است نه رهایی از حجاب و پوشش. مشهورترین اشعار پروین/اعتصامی در رابطه با زن، حق و حقوق، احساس و عاطفه او است که می‌توان آن را موضوعی سیاسی و اجتماعی دانست که سرآغاز فصلی نو در حیات زن ایرانی می‌داند. اساس کار وی پند و اندرز، توصیه به علم و دانش، دعوت به نیکی، توصیه به هنرآموزی، پرهیز از حرص و آز، پرهیز از ریاکاری و تظاهر می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

عفیفی مطر مسائل و اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور مصر را در قالب اشعار خود بیان می‌کند. حکایات تاریخی، خرافات، داستان‌های عامیانه، اسطوره و اندیشه‌های فلسفی، لایه‌های سطحی شعر وی را تشکیل می‌دهد که مقصود اصلی وی را در خود جای می‌دهد و با ارتباط گذشته و حال، واقعیت‌های جامعه معاصر خود را به تصویر می‌کشد. مطر در شعر خود به تصویرپردازی‌های بدیع و پیچیده دست می‌زند و آخرین شاعر جاهلیت لقب گرفته است (رک: احمدی، ۱۳۸۵: ۱).

مشایخی و خدا/ادی (۱۳۹۱) به بررسی هنجارگریزی در بخش‌هایی از اشعار نزار قبانی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که هنجارگریزی در اشعار نزار قبانی نتیجه شرایط جامعه و تمایل وی به تجدد است. این میل به نوگرایی در آثار نزار با غرابت و ایجاد شگفتی همراه است که آگاهانه به گزینش و تنظیم کلمات پرداخته و به ساختار صوری اشعارش اهتمام ورزیده است. او سنت‌ها و قاعده‌ها را به طور کامل رد نمی‌کرد، بلکه خواستار تغییراتی در آن‌ها بود. در حوزه واژگانی ترکیب‌ها و عبارات‌های جدیدی را در شعر خود آورده که نشانگر ذهن خلاق اوست. در شعرش به واژگان و ساختارهای کهن توجه داشته و توانسته زبان شعرش را آرکائیک نماید. در برخی موارد شیوه نگارشش به دیداری کردن شعرش انجامیده که سبک نوشتاری وی را تحت تأثیر قرار می‌داد. در شعر وی گریز از هنجار گویشی نیز به چشم می‌خورد. او با آوردن کلماتی از گویش محلی خود میزان تعلقش را به فرهنگ و سرزمینش بیان داشته است و در حوزه معنایی بیش از دیگر حوزه‌ها درخشیده است و با بکارگیری فراوان تشبیه، استعاره، پارادوکس، حس آمیزی به شعرش رونق و زیبایی ویژه‌ای بخشیده است و توانسته ذوق و توانائی‌اش را در جهت غنای زبان به اثبات برساند.

نورایی و حسن زاده (۱۳۹۴) به مطالعه اشعار پروین اعتصامی پرداختند تا نشان دهند چگونه روح زنانه در شعر این شاعر، به ویژه در مثنوی‌هایش موج می‌زند. وی این توانمندی را داشته که بتواند روح زنانه خود را در شعرش منعکس کند. یافته‌های تحقیق آنان نشان داد که وی مفاهیم زنانه را با ظرافت و شگردهای شاعرانه در اشعار خود به کار برده است و اصطلاحات مرتبط با زنان، همچون اصطلاحات خیاطی، آشپزی، بافندگی زیورآلات،

لباس‌های زنانه و غیره در شکل‌گیری عناصر تخیل شاعر، جلوه‌های خاص دارند و در مقایسه با دیگر شاعران، خلاقیت شعری و اندیشه‌الای او را در حوزه ادب فارسی نمایان می‌کند و این حقیقت را بر خواننده آشکار می‌کند که روح زنانه و مادرانه در اینگونه اشعار موج می‌زند. وی به شدت مدافع حقوق زنان است. در شعر پروین آنچه مطرح است انسانیت است و نه جنسیت. بسیاری از اشعار پروین مانند قصاید او جنسیت را نشان نمی‌دهد، اما بسیاری از این اشعار به نوعی دارای مفاهیم و درونمایه‌های زنانه هستند که بررسی و شناخت آن‌ها می‌تواند واقعیت شاعری او را اثبات کند.

### سوالات تحقیق

۱. آیا پروین اعتصامی در آشنایی زدایی شعری خود از هنجارگریزی نحوی، واژگانی و زمانی بهره برده است؟
۲. بیش‌ترین فراوانی مربوط به کدام نوع قاعده کاهی و زیرمقوله‌های آن بوده است؟

### هنجارگریزی نحوی

سیه گشت اختر بس نیکبختان (هنجارگریزی نحوی و جابه‌جایی موصوف و صفت رخ داده است که در آن "نیک بختان" به جای "بختان نیک" به کار رفته است)

ز جانسوز اخگری برخاست دودی ("دودی برخاست" هنجارگریزی نحوی - تقدم پاگرد فعلی)

نه تاری ماند زان دیبا، نه پودی ("از آن پارچه تار و پودی نماند" - هنجارگریزی نحوی - تقدم نشانه نفی)

فتاد آن برگ مسکین بر سر راه ("افتاد" - حذف آوایی، صوت ابتدایی (ا) از ابتدای واژه حذف شده است).

بروز سختیم کردی فراموش ("من را در مشکلات و سختی‌ها فراموش کردی" - هنجارگریزی نحوی - تقدم پاگرد فعلی)

چرا بی موجبی دادی به بادم ("من را به باد داد" - هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر متمم)



خوشست از زیردستان سرپرستی ("توجه و سرپرستی افراد فقیر شایسته است" - هنجارگریزی نحوی - تقدم مسند بر مسند الیه)

مرا بر تن، حریر سبز پوشاند ("بر تن من جامه حریر سبزی پوشاند" - هنجارگریزی نحوی - تقدم صفت ملکی بر موصوف)

نویدی داد هر مرغی ز کارم (هنجارگریزی نحوی - تقدم فعل بر فاعل)  
بگفتا بس نماند برگ بر شاخ (هنجارگریزی نحوی - کاربرد پیشوند کهن فعلی (ب))  
بگفتا بس نماند برگ بر شاخ ("هیچ برگی بر شاخه نمانده است" - هنجارگریزی نحوی، تقدم فعل بر فاعل)

نه از صلحت رسد سودی نه از چنگ ("از چنگ و صلح تو سودی به ما نمی‌رسد" - هنجارگریزی نحوی، تقدم نشانه نفی)

مرا نیز از دل و دامن چکد خون ("خون می‌چکد" - هنجارگریزی نحوی، تقدم پایه فعلی)  
که بر نیستش برگی و باری ("هیچ میوه و برگی بر سر درخت نیست" - هنجارگریزی نحوی، واژه بست بر فعل منفی) (وقت برگریزان: ۸۳-۸۶)

چه کردستیم ما جز رازداری ("ما به جز رازنگهداری، چه کاری انجام داده‌ایم" - هنجارگریزی نحوی - تقدم فعل بر فاعل)

قضا بس کار بشمرد و بمن داد (هنجارگریزی نحوی - کاربرد پیشوند (ب) بر سر فعل)  
نه گندم داشت برزیگر، نه خرمن ("برای کشاورز گندم و خرمنی باقی نمانده بود" - هنجارگریزی نحوی، کاربرد نشانه نفی)

مرا بگذشت وقت آبیاری ("وقت آبیاری من تمام شده است" - هنجارگریزی نحوی - کاربرد پیشوند (ب) بر سر فعل) (برف و بوستان: ۸۲-۸۳)

هان مکش این زحمت و مشکن کمر ("این زحمت را از بین نبرو این کمر را خمیده نکن" - هنجارگریزی نحوی - تقدم فعل بر مفعول) (بلبل و مور: ۷۹)

بیاموزندت این جرئت مه و سال ("به تو بیاموزند" کهن‌گرایی نحوی - کاربرد واژه بست کهن (ت) به فعل امروزی)

هنوزت دل ضعیف است و جثه خرد است (هنجارگریزی نحوی - "دل ضعیف و جسم کوچک تو هنوز ضعیف است" - تقدم قید)

نپوید راه هستی را به گامی ("در راه زندگی قدمی بر نمی‌دارد" - هنجارگریزی نحوی، تقدم پایه فعلی) (آرزوی پرواز: ۶۵)  
سوختن بگداختن چون شمع و بزم افروختن (هنجارگریزی نحوی - کاربرد پیشوند کهن (ب) بر سر فعل) (آرزوها: ۶۳)  
خداوند عزیز و نامور داشت (هنجارگریزی نحوی - کاربرد واژه بست (م) به اسم خداوند) به عنوان فاعل جمله (کعبه دل: ۱۷۲)

### کهن‌گرایی

شنیدستم که وقت برگریزان ("شنیدستم" به معنای "شنیده‌ام" نوعی کهن‌گرایی نحوی است که هم اکنون در زبان امروزی کاربرد ندارد)  
نشاندی شاد چون طفلان بمهدم (به معنای "گهواره" - کهن‌گرایی واژگانی است که شاعر به جای کاربرد کلمه امروزی از واژه‌ای کهن استفاده کرده است)  
دمی کاز باد فروردین شکفتم ("که از" - کهن‌گرایی نحوی، صورت گرفته است)  
نه مست اندر امان باشد، نه هشیار (کهن‌گرایی نحوی - واژه "اندر" به معنای "داخل")  
(وقت برگریزان: ۸۳-۸۶)

دل و دامن نیالودم به پستی (کهن‌گرایی واژگانی - استفاده از "نیالودم" به جای "آلوده نکرده‌ام")

زبونی باشد و بد روزگاری (به معنای "پستی" - هنجارگریزی زمانی و واژگانی)  
نثارم گل، ره آوردم بهار است ("سوغاتی" - کهن‌گرایی واژگانی) (برف و بوستان: ۸۲-۸۳)

گشت طربناک بفصل بهار ("شاد و مفرح" - کهن‌گرایی واژگانی)  
هین بنشین، می شنو و می نگر ("شنو و نگاه کن" - کهن‌گرایی نحوی) (بلبل و مور: ۸۰)  
زنو کاران که خواهد کار بسیار (کهن‌گرایی واژگانی) - شاعر به جای استفاده از کلمه "تازه کار" از واژه "نوکار" استفاده کرده است)  
بیاموزندت این جرئت مه و سال ("به تو بیاموزند"، کهن‌گرایی نحوی - کاربرد واژه بست کهن (ت) به فعل امروزی)

خانه چون خورشید در اقطار گردون داشتن ("چرخه روزگار" - کهن‌گرایی واژگانی)  
(آرزوی پرواز: ۶۵)

بهر رخی که درین منظر است زیب و فریست ("برای" - کهن‌گرایی نحوی)  
هماره بر سرم از جور آسمان شرریست ("همواره" - هنجارگریزی زمانی نحوی) (آتش  
دل: ۶۳)

همچو مور اندر ره همت همی پا کوفتن (کهن‌گرایی واژگانی) (آرزوها: ۶۳)  
سخن می‌گفت با خود کعبه، زینسان (کهن‌گرایی نحوی) (کعبه دل: ۱۷۲)  
بسی گنجینه، در پا ریختندم (کهن‌گرایی نحوی)  
دهر را رسم و ره دیرین است ("روزگار" - کهن‌گرایی واژگانی) (سنگ مزار: ۲۳۲)

### هنجارگریزی واژگانی

چو ماند شبرو ایام بیدار ("شبرو" - هنجارگریزی واژگانی که در آن شاعر با استفاده از  
کلمه هم وزن "آبرو" این واژه جدید را خلق کرده است) (وقت برگریزان: ۸۶)  
گشتن اندر کان معنی گوهری عالم‌فروز (هنجارگریزی واژگانی - شاعر با استفاده از  
اسم مرکب "مهرفروز"، واژه "عالم‌فروز" را ساخته است) (آرزوی پرواز: ۶۵)  
در این بخش به تجزیه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش می‌پردازیم و فراوانی هر یک  
را به همراه زیرمقوله‌های مربوطه به اختصار شرح می‌دهیم.

جدول ۱: هنجارگریزی نحوی در اشعار پروین اعتصامی

فهرست آثار	جابه‌جایی موصوف و صفت	تقدم مسند بر مسند الیه	تقدم فعل بر فاعل	تقدم فعل بر مفعول	تقدم فعل بر متمم	کاربرد پیشوند فعلی	کاربرد نشانه نفی	کاربرد واژه بست	تقدم پاگرد فعلی	تقدم قید
آرزوها	۲				۲	۱	۳		۳	
وقت برگریزان		۱	۳		۱			۱		
برف و بوستان	۲			۲		۱	۱		۲	

۱			۲				۲		امروز و فردا	
		۱			۱	۱		۲	کعبه دل	
	۳			۲		۱			بلبل و مور	
۱	۸	۲	۶	۴	۴	۴	۵	۳	تعداد	
	%۲/۳۷	%۱۸/۱۸	%۴/۵۴	%۱۳/۶۳	%۹/۰۹	%۹/۰۹	%۹/۰۹	%۱۱/۳۶	%۶/۸۱	درصد
									مجموع کل	
									۴۲	

جدول ۱ حاکی از آن است که هنجارگریزی نحوی با بسامد ۴۲ در شعر پروین اعتصامی نمود بالایی دارد. عدول وی از هنجارهای نحوی زبان معیار در مقوله‌های "تقدم پاگرد فعلی" و "کاربرد نشانه نفی" به ترتیب با فراوانی ۸ و ۶ بالاترین بوده‌اند. گزینه "تقدم قید" با بسامد ۱ پایین‌ترین جایگاه را به خود اختصاص داده است. مقوله‌های "تقدم فعل بر مفعول"، "تقدم فعل بر متمم" و "کاربرد پیشوند فعلی" هر کدام با ۴ مورد فراوانی حد میانه بوده‌اند. در اشعار "آتش دل"، "آرزوی پرواز"، "بازی زندگی"، "دو قطره خون" و "سنگ مزار" هیچ نوع هنجارگریزی نحوی مشاهده نشد.

جدول ۲: هنجارگریزی واژگانی و زمانی (کهن‌گرایی) در اشعار پروین اعتصامی

فهرست آثار	واژگانی	زمانی (کهن‌گرایی)	
		نحوی	واژگانی
آرزوها		۲	۲
وقت برگریزان	۲	۳	۲
برف و بوستان			۳
آرزوی پرواز	۲	۶	۳
امروز و فردا		۱	۳
آتش دل	۴	۲	
کعبه دل		۴	
بلبل و مور	۱	۱	۴

سنگ مزار	۴	۱	
تعداد	۱۳	۲۰	۱۷
درصد	٪۲۶	٪۴۰	٪۳۴
مجموع کل هنجارگریزی‌ها	۵۰		

نتایج آماری جدول ۲ نشان می‌دهد که هنجارگریزی واژگانی وی در اشعار "آتش دل" و "سنگ مزار" با ۴ فراوانی بیش‌تر از دیگر موارد بوده است. اشعار "وقت برگریزان" و "آرزوی پرواز" با بسامد ۲ در جایگاه دوم قرار دارند. شعر "بلبل و مور" با ۱ فراوانی در جایگاه آخر قرار دارد. در اشعار "آرزوها"، "کعبه دل"، "امروز و فردا"، "دو قطره خون"، "بازی زندگی" و "برف و بوستان" هیچ نوع آوری واژگانی دیده نشد.

بیش‌ترین کهن‌گرایی مربوط به شعر "آرزوی پرواز" با فراوانی ۹ (باستان‌گرایی نحوی با بسامد ۶ و باستان‌گرایی واژگانی با بسامد ۳) است. بعد از آن اشعار "وقت برگریزان" با ۵ مورد فراوانی (باستان‌گرایی نحوی با فراوانی ۳ و باستان‌گرایی واژگانی با بسامد ۲) و "بلبل و مور" نیز با ۵ فراوانی (کهن‌گرایی نحوی ۱ و کهن‌گرایی واژگانی ۴) در جایگاه دوم قرار دارند. در اشعار "کعبه دل"، "آتش دل"، "سنگ مزار" هیچ‌گونه کهن‌گرایی واژگانی ملاحظه نشد. در شعر "برف و بوستان" نیز ردی از کهن‌گرایی نحوی به چشم نمی‌خورد. شاعره در اشعار "بازی زندگی" و "دو قطره خون" از هیچ‌گونه هنجارگریزی زمانی بهره نبرده است.

جدول ۳: هنجارگریزی و قاعده کاهی نحوی، زمانی و واژگانی در اشعار پروین اعتصامی

انواع هنجارگریزی و قاعده کاهی	نحوی	زمانی (کهن‌گرایی)	واژگانی
فراوانی	۴۲	۳۷	۱۳
درصد	٪۴۵/۶۵	٪۴۰/۲۱	٪۱۴/۱۳
جمع کل	۹۲		

در مجموع هنجارگریزی نحوی پروین/اعتصامی با ٪۴۵/۶۵ بیش‌تر از هنجارگریزی زمانی با ٪۴۰/۲۱ و هنجارگریزی واژگانی با ٪۱۴/۱۳ بوده است. قاعده کاهی نحوی وی می‌تواند به این دلیل باشد که میزان گریز وی از قواعد نحوی و دستوری متعارف

(جابه‌جایی موصوف و صفت، تقدم مسند بر مسند الیه، تقدم فعل بر فاعل، تقدم فعل بر مفعول، تقدم فعل بر متمم، کاربرد پیشوند فعلی قدیم، کاربرد نشانه نفی، کاربرد واژه بست، تقدم پاگرد فعلی و تقدم قید) بیش‌تر از دیگر مقوله‌ها بوده است. هنجارگریزی زمانی با فراوانی ۳۷ (۲۰ مورد نحوی و ۱۷ مورد واژگانی) در جایگاه دوم قرار دارد. بسامد ۱۳ هنجارگریزی واژگانی، نوع آوری و خلق ترکیبات جدید را برای این شاعره بزرگ در جایگاه آخر قرار می‌دهد.

### نتیجه بحث

پروین/اعتصامی یکی از برجسته‌ترین شاعران ادبیات تعلیمی دوران معاصر است. در شعر معاصر به اسطوره‌ها و داستان‌های دینی توجه زیادی شده است. شاعر با استفاده از آموزه‌های فرهنگی یا شخصیت‌های اساطیری به برجستگی شعرش کمک می‌کند. استفاده از تکرار واژگانی یکی از شگردهای ادبی است که می‌تواند جایگزین استعارات و کنایات گردد. در شعر وی واژگان «گفت» و «نیست» بیش از دیگر کلمات و ترکیبات بوده است. بیش‌تر افعال بکاررفته در دیوان وی اسنادی‌اند که بیش‌تر در زمان حال و وجه اخباری به کار رفته‌اند. تعداد افعال کنشی بیش از دیگر انواع فعل است. در بیش‌تر مصراع‌ها، صفات دارای نقش فاعلی و اسم‌ها به صورت نکره در نقش مفعولی آمده‌اند. بکارگیری مشبه و مشبه به تکراری باعث ایجاد ابتذال در زبان شعر می‌شود و بهترین راه، بکارگیری مشبه یا مشبه به غیر تکراری است. کاربرد تصاویر متناقض طبیعت به منظور ایجاد تعارض زبانی یکی از روش‌هایی است که از نفوذ زبان قراردادی می‌کاهد. در کل، هنجارگریزی نحوی نسبت به زمانی و واژگانی در شعر وی بیش‌تر به چشم می‌خورد و حاکی از آن است که وی تمایل بیش‌تری به عدول از هنجارهای حاکم بر قواعد ترتیب و آرایش واژگان در جمله دارد؛ و بعد از آن ترجیح می‌دهد با گریز از قواعد و ساختارهای واژگانی بر زبان معیار، شعرش را برای خواننده برجسته سازد.

شعر پروین/اعتصامی با استفاده از هنجارگریزی نحوی و از نظر زبان‌شناسی ساخت‌گرا با آوردن اصول مبتداسازی و برجسته‌سازی فاعلی در تأکید نظر خویش خواننده را در مسائل اجتماعی و اصول انسانی هدایت کند. این اشعار با مضامین مطروحه توسط

احمدی (۱۳۸۵) تطابق دارد که مسائل سیاسی و اجتماعی کشور را در قالب اشعار می‌توان بیان کرد. این افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه به صورت مکالمه و گفت‌وگو بین حیوانات و گیاهان یا اشیا جان گرفته و از قاعده جان‌بخشی (Personification) در شعر پروین/اعتصامی به وفور به چشم می‌خورد. اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی که در خفقان سیاسی آن روز به طور مستقیم قابل بیان نبوده است در قالب حکایات و داستان‌های منظوم ارائه شده تا ضمن لذت بردن منظور آن نیز به خوبی درک گردد. مفاهیم غالب در اشعار این شاعر عبارت از بهبود زندگی، تلاش برای کسب استقلال و آزادی از بند ظلم است. واقعیت‌های جامعه در اشعار ایشان به صورت نمادین و رمزگونه نمایش داده می‌شود و خواننده به راحتی این نمادها و رموز را رمز گشایی (Decoding) می‌کند و به مقصود شاعر دست می‌یازد.

نتایج بررسی اشعار پروین/اعتصامی با یافته‌های مشایخی و خدادی (۱۳۹۱) که به بررسی هنجارگریزی در بخش‌هایی از اشعار نزار قبانی پرداختند بسیار همخوانی دارد. نتایج تحقیق آن‌ها بیان می‌نمود که هنجارگریزی در اشعار نزار قبانی نتیجه شرایط جامعه و تمایل وی به تجدد است. این نوگرایی در آثار نزار نشانه‌گزینش و تنظیم کلمات از لحاظ نحوی زمانی و واژگانی است. ساختارهای نحوی و واژگانی جدید در شعر او حوزه واژگانی ترکیب‌ها و عبارت‌های صوری جدیدی را در شعر خود آورده که نشانگر ذهن خلاق شاعر است این خلاقیت در ساختار کهن‌گرایی و واژه‌پردازی در شعر پروین به خوبی قابل درک است زیرا در شعرش به ساختارهای کهن توجه داشته و توانسته زبان شعرش را با فرهنگ گذشته پیوند دهد. او با بکار گرفتن ساختارهای نحوی خلاقانه که روی معنی شعر بسیار تأثیر دارند توانسته است از تشبیه، استعاره، تناقض نما و زیبایی‌شناسی شعری به خوبی در هنجارگریزی نحوی زمانی و واژگانی به ترتیب تواتر آن‌ها در نفوذ شعری سود ببرد.

### کتابنامه

- احمدی، بابک. ۱۳۸۵ش، *حقیقت و زیبایی (درس‌های فلسفه هنر)*، چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز.
- اشرف جودت، تقی علی. ۱۳۷۸ش، *نقش عادت در تربیت اسلامی*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- حق شناس، علی محمد. ۱۳۷۲ش، *مقالات ادبی و زبان‌شناختی*، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ستوده، هدایت اله. ۱۳۸۸ش، *روان‌شناسی اجتماعی*، چاپ دوازدهم، تهران: آوای نور.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۵ش، *موسیقی شعر*، تهران: انتشارات آگاه.
- طباطبایی اردکانی، سید محمود. ۱۳۷۶ش، *یادمان پروین اعتصامی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- علی پور، مصطفی. ۱۳۷۸ش، *ساختار و زبان شعر امروز*، چاپ اول، تهران: فردوس.
- یارمحمدی، لطف الله. ۱۳۸۵ش، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: هرمس.

### کتب انگلیسی

- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In D. Geeraerts, (Ed). (2006). *Cognitive linguistics*. (185-238). Berlin : New York: Mouton de Gruyter.

### مقالات

- بارانی، محمد. ۱۳۸۲ش، «کارکرد ادبی زبان و گونه‌های آن»، *مجله فرهنگ*، شماره ۴۶-۴۷، صص ۵۵-۷۰.
- سیدی، حسین. ۱۳۸۷ش، «مؤلفه‌های تصویری هنر در قرآن کریم»، *اندیشه دینی*، ش ۲۷، صص ۱۱۶-۱۰۵.
- مدرسی، فاطمه و حسن احمدوند. ۱۳۸۴ش، «آشنایی زدایی و هنجارگریزی در اشعار نیمایی اخوان ثالث»، *دانشگاه علامه طباطبایی*، شماره ۱۳، صص ۱۹۹-۲۲۸.
- مشایخی، محمد رضا و سیده زینب خدادادی. ۱۳۹۱ش، «بررسی هنجارگریزی در بخشی از اشعار نزار قبانی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی نقد ادب معاصر عربی*، سال دوم، شماره دوم.
- نورایی، الیاس و اسماعیل حسن زاده. ۱۳۹۴ش، «مفاهیم و درونمایه‌های زنانه در شعر پروین اعتصامی (جستاری در ردّ اتهامات علیه شاعری پروین)»، *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال هشتم، شماره اول.



